

Re-Examining the Definition of Terrorism as Organized Crime Two Decades After the Terrorist Attacks of 9/11, 2001

Peyman Namamian^{*1}, Mehdi Shahbazi², Omid Ghanbari³

1. Assistant Professor Department of Law Faculty of Administrative Sciences and Economics Arak University, Arak, Iran.

2. Researcher PhD in Public International Law, Tehran University of Science and Research.

3. Graduated from the Master of Criminal Law and Criminology.

Abstract

Despite decades of efforts by the international community against terrorism, especially after the terrorist attacks of 9/11-2001, two decades later, it has not succeeded in suppressing it. Terrorism, on the other hand, is increasingly undermining international peace and security. What the international community has become skeptical about and challenged in the present age through the commission of terrorist crimes is the lack of a proper and universal definition in identifying all aspects and manifestations of this phenomenon. The definition has made the distinction between legitimate and liberating struggles and the use of terrorism and the possibility of abusing the right to self-defense. However, international conventions and even counterterrorism zones, despite providing numerous instances of terrorist offenses, have not yet come up with a single and comprehensive definition of terrorism; While we can refer to war and its definition in the four Geneva Conventions. In addition, the lack of a definition of terrorism can be traced to the lack of a clear structure and framework for achieving consensus between governments and international organizations, according to which a common global definition and approval of terrorism can substantially facilitate the counter-terrorism process.

Keywords: Terrorism, Organized Crime, Terrorist Attacks of 9/11-2001, Threat to International Peace and Security, International Counter-Terrorism Conventions.

* Corresponding Author: p-namamian@araku.ac.ir



Article Type:

Original Research

Pages: 3-34

Received: 2021 July 17

Revised: 2021 August 11

Accepted: 2021 November 9



 This is an open access article under the CC BY licens.

بازپژوهی تعریف تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته با گذشت دو دهه از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

پیمان نامامیان^{۱*}، مهدی شهبازی^۲، امید قنبری^۳

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

۲. پژوهشگر دوره دکتری حقوق بین الملل عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی.

چکیده

بهرغم دهه‌ها تلاش‌ها از سوی جامعه بین‌المللی در قبال تروریسم به‌ویژه پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و با گذشت دو دهه از آن، اما توفیقی در نیل به سرکوب آن نیافت. این در حالی است که تروریسم به‌طور فزاینده‌ای ضمن بسط و توسعه، با شدت، موجبات نقض صلح و امنیت بین‌المللی فراهم آورده است. آنچه جامعه بین‌المللی در عصر حاضر از طریق ارتکاب جرایم تروریستی دچار تشکیک و چالش شده است، فقد تعریفی متناسب و جهانی در شناسایی کلیه ابعاد و ظواهر این پدیده است که به‌دلایلی نظیر پایبندی دولت‌ها به دیدگاه ملی خود در مورد تروریسم به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته، ابهام در تعریف، تفکیک میان مبارزات مشروع و آزادی‌بخش و توسل به تروریسم و امکان سوءاستفاده از حق دفاع مشروع، موجبات آن را فراهم کرده است. به‌هر روی، کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای ضد تروریسم علی‌رغم ارائه مصادیق متعددی از جرایم تروریستی، تاکنون نسبت به تعریفی واحد و جامع نسبت به تروریسم اقدام نکرده‌اند؛ در حالی که می‌توان راجع به جنگ و تعریف آن در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو اشاره کرد. افزون بر این، عدم وجود تعریف تروریسم را می‌توان در نبود وضوح ساختار و چارچوب عمل در نیل به اجماع میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی جستجو کرد که وفق همین امر، تعریف و تصویب جهانی مشترک از تروریسم می‌تواند مقابله با تروریسم را به‌طور اساسی تسهیل و فرایند پاسخ‌گذاری را اثرگذار کند.

واژگان کلیدی: تروریسم، جنایت سازمان‌یافته، حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر

۲۰۰۱، تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم.



نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۲-۳۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

جامعه بین‌المللی که در نیمه دوم قرن بیستم با پدیده تروریسم مواجه شده بود، با پذیرش مجموعه‌ای از کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای، در قبال انواع خاص جرایم تروریستی و تعهد دولت‌ها، واکنش نشان داد. این در حالی است که از زمان وقوع حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به‌ویژه با گذشت دو دهه از آن، این حوادث به‌مثابه یک رویداد تعیین‌کننده برای افراط‌گرایان و تروریست‌های جهانی، تروریسم را به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته به یک پدیده جهانی تبدیل کرد؛ به‌نحوی که انقلابی در معماری امنیتی آمریکا و سراسر جهان ایجاد شد.^۲

با تأسی پذیرفتن از مفاد مقرر در «کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی، مصوب ۲۰۰۰»، جنایات سازمان‌یافته نظیر تروریسم در راستای به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم قرن بیست و یکم، تهدید قابل توجه و فزاینده‌ای برای امنیت ملی و بین‌المللی محسوب می‌شوند که پیامدهای ناگواری برای امنیت عمومی، سلامت عمومی، نهادهای دموکراتیک و ثبات اقتصادی در سراسر جهان دارد. جنایت سازمان‌یافته یک موضوع متناقض است. تا آنجا که ارتکاب این گونه جنایت یک رویداد است، از لحاظ نظری می‌توان پیشرفت آن را مورد ملاحظه قرار داد. تروریسم نه‌تنها به‌عنوان یک جنایت جمعی، بلکه به‌عنوان یک جنایت سازمان‌یافته است که اخیراً به یک مشکل جدی تبدیل شده است (Massé, 2012: 94).

۱. دبیرکل سازمان ملل متحد در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱، طی بیانیه‌ای به مناسبت بیستمین سالگرد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اذعان کرد «امروز ما در همبستگی با همه بزه‌دیدگان تروریسم در سراسر جهان، ایستاده‌ایم.» وی، همبستگی، وحدت و عزمی را که بیست سال پیش توسط جامعه بین‌المللی با هدف آینده‌ای بدون تروریسم ابراز شد، یادآوری کرد؛ <https://news.un.org/en/story/2021/09/1100402>

افزون بر این، در بیانیه مطبوعاتی شورای امنیت سازمان ملل متحد در همین زمینه طی ۹ سپتامبر ۲۰۲۱ مقرر شد، «اعضای شورای امنیت امروز مانند بیست سال پیش در تعهد خود برای پیشگیری و مقابله با تروریسم، در همه اشکال آن و هر کجا که رخ دهد، وفق قوانین بین‌المللی، متحد هستند.»

<https://usun.usmission.gov/un-security-council-press-statement-commemorating-the-20th-anniversary-of-the-september-11-attacks/>

۲. با گذشت دو دهه پس از شروع تهدید ناشی از «تروریسم بین‌المللی جهادی» (International Jihadist Terrorism) که نیاز به دموکراسی‌ها را برای ایجاد توازن بین حقوق اساسی و نیازهای امنیتی برانگیخت، پس بیست سال از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و ظهور حقوق جهانی مبارزه با تروریسم، کماکان تروریسم یک اصطلاح پرکاربرد است که از حیث ابعاد و گستردگی وجوه متعددی دارد؛ به نحوی که حتی جامعه بین‌المللی تاکنون توفیقی در ارائه تعریفی مناسب، جامع و به دور از زوایای حاکمیتی و سیاسی نداشته است (Barnidge, 2008: 16-17).

به هر روی، قطعنامه ۲۴۸۲ شورای امنیت ملل متحد ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۹ برای افزایش فشار بر دولت‌ها برای واکنش فوری به تهدیدهای دوگانه به تصویب رسید. این قطعنامه از دولت‌های عضو درخواست می‌کند «هماهنگی تلاش‌ها» را برای تقویت پاسخ جهانی به پیوندهای بین تروریسم بین‌المللی و جنایت سازمان یافته تقویت کنند. به علاوه، از آن‌ها می‌خواهد که «تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات را برای درک بهتر ماهیت و گستره» این گونه پیوندها را ادامه دهند. در ضمن، قطعنامه ۲۴۸۲ از دولت‌های عضو درخواست می‌کند تا به آنچه «تهدید» نامشخصی جلوه می‌نماید، واکنش نشان دهند. البته می‌توان قطعنامه ۲۵۶۰ شورای امنیت طی ۲۹ دسامبر ۲۰۲۰ دائر به تهدیدهای صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از اقدام‌های تروریستی با ابراز نگرانی شدید خود از حضور، نظام اعتقادی و اقدام‌های داعش و القاعده و حضور روزافزون وابستگان آنها در سراسر جهان، با یادآوری اهمیت تعهدات دولت‌ها عضو به اساس منشور ملل متحد و تأکید بر تحریم‌ها به عنوان ابزار مهم تحت منشور ملل متحد در حفظ و احیای صلح و امنیت بین‌المللی از جمله حمایت از مقابله با جرایم تروریستی، را مورد ملاحظه قرار داد.^۲ در ضمن شورای امنیت، قطعنامه‌های (۲۰۲۰) ۲۵۵۷، (۲۰۱۹) ۲۵۰۱، (۲۰۱۹) ۲۴۹۰، (۲۰۱۹) ۲۴۸۲، (۲۰۱۹) ۲۴۶۲، (۲۰۱۷) ۲۳۹۶، (۲۰۱۷) ۲۳۹۵، (۲۰۱۷) ۲۳۷۹، (۲۰۱۷) ۲۳۷۰، (۲۰۱۷) ۲۳۶۸، (۲۰۱۷) ۲۳۴۱، (۲۰۱۶) ۲۳۲۲ و (۲۰۱۶) ۲۳۰۹ درخصوص تهدیدهای صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از ارتکاب جرایم تروریستی در ابعاد و اشکال و ظواهر صادر شده‌اند.^۴ از اینرو، به رغم کثرت صدور قطعنامه توسط شورای امنیت در این زمینه‌ها، نه تنها تعریفی از تروریسم را ارائه نکرد، بلکه با ملاحظات خاص تنها در پی شناسایی تروریسم در ابعاد و زمینه‌های جدید که امکانی در نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم می‌آورد، مبادرت نمود.

با این همه، کماکان جامعه بین‌المللی نتوانسته است در مورد تعریف حقوقی واحدی به اتفاق برسد؛ هر چند در قالب کنوانسیون‌های موردی و موضوعی و همچنین

1. United Nations Security Council, Resolution 2482 (2019).

۲. این در حالی است که قطعنامه مزبور از استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد که تهدید دوگانه تروریسم و جنایت سازمان یافته را به مثابه تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی اطلاق می‌کند، اشاره ندارد.

3. United Nations Security Council, Resolution 2560 (2020).

4. See: <https://www.un.org/securitycouncil/content/resolutions-0>

در قالب قوانین داخلی «هر کسی از ظن خود» برداشتی را از تروریسم ارائه کرده است. تروریسم اقدامی است که به طور صرف محدود به حقوق نمی‌شود، بلکه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی، اقتصادی و از همه مهم‌تر سیاسی دارد. وفق این امر، مطالعه و بررسی خود تروریسم و هر اقدام مرتبط با آن یا علیه آن نیازمند بررسی تمام ابعاد و مسائل مرتبط می‌باشد (نژندی‌منش، ۱۴۰۰: ۱۲). بنابراین، ضرورت توافق نسبت به ارائه تعریفی جامع و مانع در قلمرو جامعه بین‌المللی از تروریسم، امر الزامی و انکارناپذیر است؛ اگرچه تدوین تعریف تروریسم به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته به‌طور کلی این امکان و ضمانت را حاصل نمی‌کند که این امر در قبال سوءاستفاده‌های سیاسی دچار تخدیش و چالش نشود.^۱ مهم‌ترین کاستی و شکاف ماهوی و ذاتی در نظام حقوق بین‌المللی کیفری، عدم وجود یک کنوانسیون جامع تروریسم بوده که جرایم تروریستی را به طور کلی کیفری قلمداد کند نه در موقعیت‌های ویژه که تحت پوشش کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای ضدتروریسم موجود قرار دارند.^۲ البته تروریسم به علت تنوع

۱. حوادث گوناگون تروریستی نظیر پرونده لاکربی، بمب‌گذاری در سفارت ناپروبی، کنیا و دارالسلام، تانزانیا در سال ۱۹۹۸، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک، بمب‌گذاری‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ در بالی، ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲ در بالی، ۱۱ مارس ۲۰۰۴ در قطار مادرید، ۷ جولای در لندن، ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹ در مسکو، ۲۹ مارس ۲۰۱۰ در قطار مسکو - سنت پترزبورگ، حادثه گروگانگیری در سیدنی در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۴، ۷ ژانویه ۲۰۱۵ در محل دفتر هفته‌نامه مجله شارلی ابدو در پاریس، بمب‌گذاری‌های ۲۰۱۵ در آنکارا، حمله مهاجم انتحاری در مترو سن‌پترزبورگ ۳ آوریل ۲۰۱۷، بمب‌گذاری ۳۰ آوریل ۲۰۱۸ در کابل، و غیره ضمن نقض فاحش و روزافزون قواعد و اصول بنیادین حقوق بین‌المللی، مؤید این امر است که تروریسم این امکان را دارد تا به‌نحوی کامل و همه‌جانبه نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی به‌مثابه تهدیدی جدید اطلاق شود. از اینرو، حوادث و اقدام‌های مزبور را می‌توان به‌مثابه ظهور شاخه‌ای جدید از تروریسم، موسوم به «تروریسم صادراتی» (Exporting Terrorism) اطلاق کرد؛ البته نمونه این نوع تروریسم را می‌توان در ایجاد گروه داعش یافت که متأسفانه دولت‌های غربی با حمایت‌های نامشروع و غیرقانونی خود از جنایت‌های ضدبشری آن، زمینه ایجاد نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم کرده‌اند (See: Lang, 2017: 1-7).

۲. وجود یک کنوانسیون جامع ضدتروریسم می‌تواند با بازنگری و اصلاح جنبه‌هایی از کنوانسیون‌های پیشین به هماهنگ و تلفیق‌سازی و تقویت کنوانسیون‌های موجود کمک کند. این در حالی است که در واقع کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای بر پایه سه محور استوارند که مشتمل بر «اصل محاکمه یا استرداد»، «تعهد دولت‌ها در قبال برقراری پایه و اساس حقوقی و قانونی برای محاکمه کردن مرتکبان این جرایم» و «تعهد دولت‌ها در قابل درج جرایم مقرر در کنوانسیون‌ها در حقوق داخلی»، هستند. این در حالی است «کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی، مصوب ۱۹۹۹» وفق بندهای اول و دوم ماده نخست، «تروریسم» و «جرم تروریستی» را ضمن شناسایی، مورد تعریف قرار داده است و تأکید دارد تروریسم به‌مثابه «اقدام خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده» و جرم تروریستی در قالب «ارتکاب، آغاز یا مشارکت در هر جرم» صورت می‌پذیرد.

در مصادیق وفق کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم (نظیر تروریسم دریایی، تروریسم هوایی، تأمین مالی تروریسم، بمب‌گذاری‌های تروریستی، گروگانگیری، دسترسی و استعمال مواد منفجره پلاستیکی و هسته‌ای و تعرض به افراد تحت حمایت بین‌المللی)، ابزارهای تروریستی (هم‌چون تروریسم هسته‌ای، تروریسم رادیولوژیک، تروریسم زیستی، تروریسم شیمیایی، تروریسم میکروبی، تروریسم سایبری) و جرایم نوظهور تروریستی (مانند تروریسم تکفیری، تروریسم صادراتی و تروریسم انرژی شامل نفت، گاز، آب و برق)، کماکان موقعیتی در اجماع‌سازی میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را محو کرده است. البته این در حالی است که کنوانسیون‌های منطقه‌ای ضد تروریسم بدون ارائه تعریفی عام‌الشمول، مبادرت به ارائه مصادیقی گوناگون از ابعاد متنوع تروریسم کرده‌اند؛ هرچند در این بین می‌توان به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی اشاره داشت که وفق بندهای دوم و سوم از ماده نخست، تروریسم و جرم تروریستی را مورد تعریف قرار داده است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت فشار آمریکا و هند تلاش کرد تا تلاش‌های مکرر برای نیل به یک تعریف مشترک از تروریسم پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را احیا کند، اما به‌طور کلی به‌دلیل عدم حل‌وفصل مخاصمات میان اسرائیل و فلسطین و نیز وجود مسأله «تروریست» در برابر «مبارز آزادی»، با شکست مواجه شد. وفق این امر، به دولت‌ها اجازه داده شد مبادرت و اقدام به ارائه تعریف تروریسم نمایند؛ اگرچه این انعطاف‌پذیری دارای مزایایی نظیر توسعه چارچوب مبارزه با تروریسم سازمان ملل متحد، اما به دولت‌هایی هم‌چون روسیه، چین، مصر، ترکیه، فیلیپین و سایر دولت‌ها اجازه داده شد تا سازوکارهای ضد تروریستی را که دارای مجوز از سازمان ملل متحد هستند، علیه گروه‌ها و اشخاصی که تروریست اطلاق نمی‌شوند را اعمال کنند.^۱

مسأله اساسی و چالش‌برانگیز طرح و پاسخ به این امر است که «علت و ضرورت ارائه یک تعریف بین‌المللی برای تروریسم به‌عنوان جنایت سازمان یافته چیست؟» و «چرا تروریسم باید در جامعه بین‌المللی مورد تعقیب قانونی قرار گیرد؟» در پاسخ به

1. <https://www.swissinfo.ch/eng/how-the-un-has-helped-counter-terrorism-since-9-11-/46913380>

مسائل مطروحه باید اذعان شود که چارچوبی که کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای ضد تروریسم ارائه می‌کنند دائر به الزم دولت‌ها به جرم‌انگاری جرایم تروریستی خاص در قلمرو داخلی با هدف تعقیب قانونی است. به هر روی، این مقاله درصدد است تا ضمن ارائه سابقه طرح موضوع و نحوه پیدایش تروریسم، مفاهیم و تعاریف تروریسم را در نگاه صاحب‌نظران با تأکید بر مزیت نسبی تعریف، مورد مذاقه قرار دهد. به‌علاوه، ارکان و ساختار تعریف با محوریت رویکردها و رهیافت‌های بین‌المللی در مسائلی نظیر ابزار و روش‌های ممنوع در جرایم تروریستی، تهدیدهای تروریستی علیه صلح و امنیت بین‌المللی و ایجاد ارباب یا وحشت افراطی را مطالعه و بررسی نماید. در ضمن محدودیت‌های تعریف تروریسم و چارچوب هنجاری نظام حقوق بین‌المللی معاصر در قبال تروریسم را ارزیابی کند. با وجود این، برای گردآوری مباحث و مسائل مطروحه در این مقاله، از روش فیش‌برداری اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. از اینرو، روش مطالعه و پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از حیث گردآوری داده‌ها، توصیفی و کتابخانه‌ای است.

۱. سابقه پیدایش تروریسم

به‌کرات اذعان شده است تروریسم پدیده جدیدی نیست و می‌توان ریشه آن را در دوران باستان جستجو کرد؛ زمانی که «زیلوت‌ها»^۱ در قرن اول و «هاشاشین‌ها»^۲ از قرن ۱۱ تا ۱۳ دشمنان خود را کشتند و ترس را برای رسیدن به اهداف خود گسترش دادند.^۳ البته به‌زعم برخی از مورخان وجود آن به قرن اول میلادی بر می‌گردد.^۴ در ضمن، واژه «تروریسم» که از کلمه «ترور» گرفته شده است، از سال ۱۷۹۴ در زبان فرانسوی ظاهر شد تا رژیم انقلابی «ماکسیمیلیان روبسپیر»^۵ را تصدیق کند، اما معنای آن به تدریج گسترش یافته است (See: Rey, 1998).

1. Zealots

2. Hashshashins

3. Encyclopedia of World History: Crisis and Achievement 1900 to 1950, Vol V, Golsong Books, 2008, xxv.

۴. به‌زعم مورخان طی قرن یکم، متعصبان با توسل به اقدام‌های ترور در قبال سلطه امپراتوری رُم مقاومت از خود نشان می‌دادند (Chaliand, 2002: 21; Chaliand, Blin, 2006: 65).

5. Maximilien Robespierre

در هر حال، ایجاد کلیه اشکال و ظواهر تروریسم در طول تاریخ چندان مورد توجه نخواهد بود؛ چرا که شرایط ایجابی آن متفاوت است، اما غیرقانونی بودن در همه آنها مشترک است. از اینرو، تروریسم در قلب نگرانی‌های معاصر قرار دارد و از زمان حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و گذشت دو دهه از آن، دولت‌ها ضمن تقویت اقدام‌های داخلی برای مهار این پدیده که بین‌المللی شده و ارزش‌های جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، امنیت داخلی خود را تقویت کرده‌اند (See: Bret, 2018: 119-121). به‌طور کلی، حقوق بین‌المللی اعم از کلاسیک و معاصر، تروریسم را محکوم می‌کند. این موضوع پیش از هر امری موضوع «کنوانسیون پیشگیری و سرکوب تروریسم»^۱ در ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷ به دنبال حمله‌ای که در ماریسی طی سال ۱۹۳۴ علیه اسکندر اول پادشاه یوگسلاوی انجام شد، تصویب شد. وفق ماده ۲، این کنوانسیون جرایم تروریستی را به‌طور کلی جرایم خشونت‌آمیز علیه یک دولت تعریف می‌کند و هدف یا ماهیت آن ایجاد رعب و وحشت در شخصیت‌های خاص، گروه‌های مردم یا در جامعه است.

تروریسم به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته، پدیده غالب عصر حاضر، علی‌رغم جهان‌شمولی و ماهیت تهدیدانگارانه و منفی خود، هنوز هم تعریف مشخص و یکسانی در جامعه جهانی ندارد. در حالی که ابزارهای جهانی شدن امکانات لازم را برای جهان شمولی تروریسم فراهم آورده، مبارزه با تروریسم منحصر به مرزهای ملی مانده که به نظر می‌رسد ناتوانی در اجماع بین‌المللی بر تعریفی واحد از تروریسم، عامل اصلی و اولیه آن باشد. از اینرو، وفق نظریات کارشناسان عواملی نظیر دگرگونی‌های بسیار گسترده تاریخی، تغییرات عقیدتی و در نهایت پیشرفت در علم و فناوری موجب پیدایش و زمینه رشد فزاینده جرایم تروریستی می‌باشند (Cassese, 1989: 3-4):

با این همه، موضوع تروریسم مجدد در سازمان ملل متحد به‌عنوان بخشی از برنامه اقدام برای پیشگیری از افراط‌گرایی در اقدام‌های خشونت‌آمیز طی ۱۵ ژانویه ۲۰۱۶ توسط دبیرکل و در کنفرانس ژنو مطرح شد (ر.ک: ممتاز، ۱۴۰۰: ۳۹-۳۶). پیشگیری از افراط‌گرایی در اقدام‌های خشونت‌آمیز توسط سازمان ملل متحد و سوئیس را طی ۷ و ۸ آوریل ۲۰۱۶ سازماندهی کردند. اگرچه این مسأله همچنان در صحنه‌های

۱. این کنوانسیون موسوم به «کنوانسیون ۱۹۳۷ ژنو» را می‌توان به‌عنوان نخستین کنوانسیون بین‌المللی راجع به تروریسم، اطلاق کرد.

بین‌المللی قابل ملاحظه است، اما معنای تروریسم به خودی خود دیگر وجود ندارد. از اینرو، خلاء ناشی از عدم وجود یک تعریف پذیرفته شده جهانی، امکان اجرای بدون مجازات سیاست‌های ضدتروریستی دولت‌ها را که حقوق اساسی افراد را نقض می‌کند، ممکن می‌سازد. بنابراین، مهم است که دولت‌های مستقل و جامعه بین‌المللی بتوانند از طریق سازمان ملل متحد به تعریفی از این مفهوم دست یابند و طیف عمل این امر را می‌توان به صورت جهانی، تا زمانی که در بین دولت‌ها نسبت به سایر دولت‌ها تعیین شود، تعیین کرد. این ضرورت، از یک سو، شرط اساسی کاهش خشونت سیاسی و از سوی دیگر، عنصری اساسی در مهار وخامت مشروعیت دولت است. معضل تنها درک نیاز به اقدام در سازمان ملل در قبال تروریسم به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته نیست، بلکه اتحاد دولت‌ها تحت یک تعریف واحد از تروریسم است (Burkhalter, 2016: 10). به‌علاوه، از هفتم تا بیستم مارس ۲۰۲۱، سازمان ملل متحد با برگزاری «چهاردهمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و عدالت کیفری»^۱ در کیوتو، برای تهیه «پیش‌نویس بیانیه کیوتو برای پیشگیری از وقوع جرم، عدالت کیفری و حاکمیت قانون: به‌منظور دستیابی به دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار»^۲ مبادرت به ارائه سازوکارهای پیشگیرانه و تهاجمی در قبال تروریسم وفق بندهای ۷۳ تا ۷۵ نمود که برخی از آن‌ها شامل تقویت همکاری‌ها در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای برای پیشگیری و مقابله با کلیه اقدام‌ها، روش‌ها و شیوه‌های راجع به تروریسم در کلیه اشکال و جلوه‌های آن، به‌ویژه با تقویت حاکمیت قانون در تمام سطوح و اطمینان از کاربرد طرفین کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مربوطه در قبال تروریسم و نیز تدوین راهبردهای تهاجمی مؤثر در گسترش تروریسم نظیر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، رسیدگی به تهدید فزاینده مجرمان تروریستی نظیر پاسخگویی به تعهدات بین‌المللی قابل اجرا، اقدام‌های مناسب برای پیشگیری و مقابله با تحریک به ارتکاب جرایم تروریستی و انتشار این نوع تبلیغات در فضای رسانه‌ای و مجازی، است.

1. United Nations, Fourteenth United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Kyoto (Japan), March 7-12, 2021.

2. United Nations Office on Drugs and Crime, Draft Kyoto Declaration to Advance Crime Prevention, Criminal Justice and the Rule of Law: Towards Achieving the 2030 Agenda for Sustainable Development, Vienna, https://www.unodc.org/documents/commissions/Congress/21-02815_Kyoto_Declaration_ebook_rev_cover.pdf

۲. تروریسم و جنایات سازمان یافته؛ روش اقدام، سازماندهی و انگیزه ارتکاب

جنایت سازمان یافته فراملی و تروریسم دو مورد از پیچیده ترین تهدیدهایی هستند که جامعه بین المللی امروز با آن مواجه است. هنگام تجزیه و تحلیل رابطه بین ترور و جنایت، تمایز بین این مفاهیم مبهم می شود و گاهی اوقات می تواند همگرا شود؛ از اینرو، بررسی و درک این پیوند ممکن است به اجرای استانداردهای حقوقی آگاهانه ملی و بین المللی در قبال شبکه های جنایی و تروریستی کمک کند. پیوند جنایت- ترور شامل دو جزء مستقل، اما مرتبط است؛ نخست، مشارکت مستقیم تروریست ها در اجرای اقدامات مجرمانه را به عنوان منبع مالی تحت پوشش قرار می دهند و دوم، به پیوندهای میان گروه های جنایتکار سازمان یافته و گروه های تروریستی^۱ اشاره دارد. رابطه بین تروریسم و «جنایت سازمان یافته» رابطه ای در حال نوسان است که تا حدی متأثر از فعالیت های جنایی تروریست ها، مقیاس و طول عمر بلند پروازی های آن ها، و محیط های فعالیت های غیرقانونی و غیرقانونی است که می توانند در سطح ملی و بین المللی ایجاد کنند. جنایت سازمان یافته نه شرط لازم و نه کافی برای تروریسم است، اما به مقیاس تروریسم کمک می کند (Levi, 2022: 54; Fijnaut, Paoli and Wouters, 2022: 9-11). در واقع، به نظر می رسد که سازمان های جنایی و سیاسی ضمن الگوبرداری از یکدیگر، فنون و راهبردهای یکدیگر را اتخاذ می کنند و اجرا می کنند.^۲

به طور سنتی، تروریسم و جنایت سازمان یافته به عنوان جرایمی اطلاق می شوند که یکدیگر را به نحو متقابلی حذف می کردند. در حالی که عنصر اصلی جنایات تروریستی

۱. «گروه های جنایتکار سازمان یافته» در کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی تنها به گروه هایی اطلاق می شوند که از طریق فعالیت های خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دنبال کسب «منفعت مالی یا دیگر مادی» هستند. این مسأله شامل گروه هایی نظیر برخی گروه های تروریستی یا شورشی نمی شود، مشروط بر اینکه اهداف آنها صرفاً غیر مادی باشد. افزون بر این، گروه های جنایتکار سازمان یافته ممکن است فنون تروریستی در مقیاس بزرگ را برای پیشبرد اهداف جنایی یا تحقق اهداف عملیاتی ویژه اتخاذ کنند. این گروه ها و سازمان های تروریستی ممکن است با یکدیگر اتحاد ایجاد کنند. ماهیت این اتحادها به طور گسترده متفاوت است و می تواند شامل روابط یکباره، کوتاه مدت و بلندمدت باشد. با گذشت زمان، گروه های جنایتکار و تروریستی ممکن است ظرفیتی برای مشارکت در اقدامات جنایی و تروریستی ایجاد کنند. بنابراین نهادهایی تشکیل می دهند که ویژگی های هر دو گروه را نشان می دهند؛ <https://www.unodc.org/e4j/en/organized-crime/module-1/key-issues/similarities-and-differences.html>

2. <https://www.ccsenet.org/journal/index.php/ass/article/view/6218>

استفاده از خشونت است، جنایت سازمان یافته لزوماً شامل خشونت نمی‌شود. وفق همین امر، عنصر مشخص جنایت سازمان یافته فراملی، هدف مجرم برای ایجاد سود (غیرقانونی) است. البته باید اذعان داشت که مرز بین تروریسم و جنایت سازمان یافته مبهم است؛ زیرا سازمان‌های تروریستی به دنبال تأمین مالی فعالیت‌های خود از طریق مشارکت در زمینه جنایت سازمان یافته هستند (Weißer, 2016: 128). بنابراین، برای درک میزان هم‌پوشانی از نظر روش تروریستی و جنایی، مفید است که اقسام گوناگون جنایاتی که تروریست‌ها مرتکب می‌شوند، مورد مذاقه قرار گیرند (ر.ک: شمس‌ناتری، ۱۳۹۷: ۸۵-۸۱). با سنجش وجوه اشتراک و افتراق تروریسم با جنایات سازمان یافته، از جمله مشخصات فنون، نظام‌های سازماندهی و انگیزه‌ها، هفت دسته از جنایات مرتکب شده توسط تروریست‌ها مشتمل بر خشونت‌آمیز، تسهیل، منابع مالی، جرم تخصصی، هوشمندی، جرم عمومی و سوء پیشینه کیفری قابل ملاحظه است (Mullins & Wither, 2016: 66-39):

خشونت‌آمیز؛ جرایم تروریستی به‌طور ذاتی مشتمل بر انواع مختلف جرایم جنایی راجع به استفاده از خشونت است که اغلب شامل قتل، تعرض، رفتار تهدیدآمیز، خسارت به اموال، آدم‌ربایی و جرایم مربوط به سلاح و مواد منفجره است. در واقع، از آنجا که اکثر جرایم تروریستی در قانون منع شده است، باید استدلال کرد که مقررات ضد تروریستی غیر ضروری به نظر می‌رسد. از اینرو، باید اذعان داشت که در جنایات سازمان یافته مرتکب همه این جرایم را مرتکب می‌شود. این در حالی است که استفاده مجرمانه از خشونت، تبعیض‌آمیز است و به‌طور عامدانه پنهانی ارتکاب می‌یابد (Shelley and Picarelli, 2002: 308-309). در حالی که در تروریسم، مرتکب برای تبلیغات تلاش می‌کند.

تسهیل؛ تروریست‌ها برای آماده‌سازی یا تسهیل حمله‌ها باید به‌طور مستمر قانون را نقض کنند. جنایات در اینجا می‌تواند شامل قاچاق اسلحه، جعل، نقض مهاجرت، قاچاق و فساد باشد.

منابع مالی؛ اکثر جرایم تروریستی ارتكابی به علت منافع مالی است؛ اگرچه قاچاق مواد مخدر پردرآمدترین و مستندترین تلاش جنایی است که تروریست‌ها در آن دست داشته‌اند، اما سایر جرایم سودآور شامل آدم‌ربایی، قاچاق، سرقت، اخاذی، کلاهبرداری، جعل، سرقت، تجارت کالاهای غیرقانونی، اقدام‌های نامشروع و غیرقانونی است. معدن کاری و پول‌شویی در واقع، از زمان کاهش آشکار حمایت مالی دولت،

تروریست‌ها به‌طور فزاینده‌ای از آن‌ها برای تأمین هزینه‌های ناشی از اقدام‌های خود انجام می‌دهند. تنها وجه افتراق واقعی در مقایسه با مجرمان سازمان یافته در نحوه هزینه کردن منابع مالی است.

جرم تخصصی؛ علی‌رغم این واقعیت که بسیاری از اقدام‌های ارتكابی تروریست‌ها در حال حاضر تحت قوانین عادی قرار دارد، در برخی از دولت‌ها جنایات تخصصی برای مقابله با رفتارهایی به‌نحو انحصاری به‌عنوان تروریسم اطلاق می‌شوند، ایجاد شده است. اقدام‌های مورد نظر شامل آموزش برای مقاصد تروریستی، عضویت در یک سازمان تروریستی، در اختیار داشتن اسناد یا سایر مواد مرتبط با تروریست‌ها، آماده‌سازی یا توطئه برای انجام یک جرم تروریستی، تشویق، تحریک یا تجلیل از تروریسم، جمع‌آوری کمک‌های مالی برای تروریسم و حمایت مادی از سازمان‌های تروریستی، است. به‌طور کلی، جرم تخصصی تروریستی امکان تعقیب طیف وسیع‌تری از رفتارها را فراهم می‌آورد.

هوشمندی؛ از آنجا که تروریست‌ها اغلب می‌خواهند از حوزه انتخابیه خاصی حمایت کنند، برخی اوقات مرتکب جنایاتی می‌شوند که حداقل تا حدی با هدف افزایش محبوبیت و مشروعیت آنها انجام شده است؛ به‌عنوان نمونه، شبه‌نظامیان جمهوری خواه در ایرلند شمالی در جوامع خود به «پلیس هوشیار» مشهور بودند و قاچاقچیان موادمخدر و سایر مجرمان ضد اجتماعی را تحت مجازات‌هایی نظیر ضرب و شتم، قتل و گاهی تبعید قرار می‌دادند (Monaghan, 2004: 454-556).

جرم عمومی؛ تروریست‌ها گاهی مرتکب جرایم متفرقه در حین ارتكاب جرایم تروریستی یا در حین انجام کارهای روزمره خود می‌شوند؛ به ویژه، تخلفات رانندگی.

سوء پیشینه کیفری؛ تعداد قابل توجهی از تروریست‌ها از محکومین سابق بوده‌اند یا در حین گذراندن دوران محکومیت خود برای جنایات عمومی هستند. مجرمان عمومی در واقع ممکن است در برابر جذب تروریست‌ها آسیب‌پذیر باشند؛ زیرا آنها از نظر اجتماعی به حاشیه رانده شده‌اند. البته در این زمینه می‌توان به جذب مجرمان در گروه تروریستی داعش اشاره کرد (See: Mullins, 2016).

۳. مفهوم سنجی تروریسم در نظریه‌های حقوقی

اصطلاح «تروریسم» در عمومی‌ترین سطح خود مؤید استفاده از خشونت با انگیزه سیاسی است؛ به‌طور معمول برای اشاره به «شکل یا فن خاصی از خشونت سیاسی ایجاد کننده ترس» و نیز «تمرین توطئه‌آمیز اقدام‌های خشونت‌آمیز حساب شده، نمایشی، مستقیم و بدون محدودیت‌های قانونی و اخلاقی»، به دلیل تأثیرات تبلیغاتی و روانی آن بر مخاطبان مختلف و طرفین درگیری به‌طور عمده غیرنظامیان و غیررزمندگان را هدف قرار می‌دهد. با این حال، هیچ تعریف حقوقی واحد یا مورد توافق در سطح بین‌المللی وجود ندارد. این واژه اغلب برای توصیف طیف وسیعی از اقدام‌های انجام شده در پاسخ به شرایط و پدیده‌های مختلف در سطح داخلی و بین‌المللی استفاده می‌شود و استفاده از آن اغلب دارای بار سیاسی است (Stewart, 2018: 6).

تروریسم به‌عنوان یک جنایت سازمان‌یافته فاقد هرگونه تعریفی واحد و جهانی است. دولت‌های عضو سازمان ملل متحد هنوز تعریفی موافق ندارند. این امر به یک مانع بزرگ در برابر اقدام‌های مقابله‌ای بین‌المللی معناداری تبدیل شده است (Sanyal, 2015: 1). از اینرو، جامعه جهانی فاقد یک راهبرد روشن و جامع در مواجهه با تهدید و نقض صلح است؛ به‌علاوه، برخی از صاحب‌نظران در حوزه مطالعات تروریسم اذعان می‌دارند که «تروریسم باید تعریف و جرم شناخته شود؛ زیرا ممکن است تهدیدی برای حقوق بشر، ثبات حکمرانی، صلح و امنیت بین‌المللی باشد. هم‌چنین ارزش مفهومی بهتری وجود دارد که خشونت سیاسی را از جنایات دیگر که موجب ترس می‌شود، متمایز کند.» (Saul, 2008: 28)

در حقیقت به‌رغم عدم تغییر تروریسم طی یکصد سال گذشته، در ربع قرن اخیر نیز کمابیش تغییری نیافته است (Merari, 1999: 54). بر این اساس، کماکان تعریف عام و کاملی از این پدیده وجود ندارد. این وضعیت علی‌رغم گسترش دایره تروریسم و اهمیت آن برای امنیت بین‌المللی و ضرورت برخورد همه‌جانبه با آن، تعریف این واژه همچنان با ابهام روبرو می‌باشد. یکی از دلایل عمده این ابهام تنوع مصادیق، گوناگونی اهداف خاستگاه‌ها و در نهایت «تعدد اشکال آن» است (Paletz and Schmid, 1992: 1)، اما علی‌رغم این همه تلاش تعریف جهانی قابل قبولی برای تروریسم غیرممکن است؛ زیرا فردی که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود از نظر دیگری همیشه یک مبارزه راه آزادی است.

«دایره‌المعارف بریتانیکا» تروریسم را «کاربرد سازمان یافته ارباب یا خشونت غیرقابل پیش‌بینی علیه حکومت‌ها، مردم یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی است»^۱، توصیف می‌کند. تعریف دیگری که جامع به‌نظر می‌رسد توسط وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۳ ارائه شده است. از اینرو، تروریسم عبارت است از «... استفاده غیرقانونی یا تهدیدآمیز از زور و خشونت توسط یک گروه انقلابی علیه افراد یا دارایی آنها، به منظور واداشتن و یا مرعوب ساختن دولت‌ها و جوامع، اغلب به دلایل سیاسی یا عقیدتی» (Liqueur, 1999: 5). براساس «واژه‌نامه شومیز آکسفورد»، تروریسم به معنای «استفاده از خشونت و ارباب، به ویژه برای اهداف سیاسی» است. به علاوه، «قانون بلک» تروریسم را اقدام به تهدید یا خشونت برای ارباب یا ایجاد وحشت، یعنی ابزاری برای تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی مورد تعریف قرار می‌دهد. با تکمیل تعاریف فوق، می‌توان برخی از مؤلفه‌ها و خصوصیات ذاتی تروریسم را به شرح زیر بیان کرد:

۱. تروریسم می‌تواند بر اساس انگیزه‌های سیاسی یا غیرسیاسی باشد.
۲. هدف تروریسم به‌طور معمول غیرنظامی است؛ نظیر مراکز خرید و تجاری، اماکن آموزشی و مذهبی، بیمارستان و سایر امکانات عمومی.
۳. هدف از جرم تروریستی ارباب یا تأثیرگذاری بر سیاست دولت دولتی است.
۴. جرم تروریستی از طریق رفتاری صورت می‌گیرد که به حقوق یا اخلاق بین‌المللی بی‌احترامی می‌کند (2: Dwiwarno, 2018).

کلیه تعاریف ارائه شده برای تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته در گفتمان جهانی بر سه مؤلفه مهم شامل «کشتن مستقیم»، «حذف فیزیکی غافلگیرانه» و «ایجاد رعب و هراس» اشاره داشته است. به هر روی، موفقیت اندکی در نیل به توافق راجع به تعریف مورد حمایت دولت‌های جهان از تروریسم حاصل گردیده است. با این وجود، وفق کنوانسیون‌های بین‌المللی ضدتروریسم و منطقه‌ای که از دهه شصت میلادی در عرصه جهانی بروز پیدا کرده‌اند، تاکنون توافقی در مورد یک تعریف جامع حاصل نگردیده است (ر.ک: قریبی و نامدار وندایی، ۱۳۹۹: ۲۶۹-۲۶۸). بنابراین، تروریسم به عنوان یک جرم عمومی وفق چارچوب حقوق بین‌المللی معاصر کماکان، یک جرم مستعد تعریف است. این در حالی است که در تعریف تروریسم بین‌المللی به عنوان یک جرم

1. The New Encyclopedia Britannica, Vol. 11, Micropaedia, 1986, p. 650.

عمومی باید پنج چالش شامل «شناسایی بازیگران غیردولتی و دولتی تحت پوشش»، «شناخت نوع اقدام مجرمانه»، «ماهیت عنصر بین‌المللی جرم»، «عنصر قصد و عنصر انگیزه جرم» و «حفاظت از گروه‌های انسانی و مالی» را مرتفع ساخت (Franck and Lockwood, 1974: 72-82).

برای تعریف تروریسم دو روش شامل «روش قیاسی» و «روش استقرایی» قابل شناسایی است؛ از یک سو، تعاریف استنباطی از تروریسم دارای سه عنصر است؛ اول، یک عنصر ماهوی (برشمردن جرایم تروریستی در نظر گرفته شده)؛ دوم، عنصر قصد (ذکر صریح هدف آن اقدام) و سوم، حوزه قضایی عنصر (جرم تروریستی به سمت او سوق داده می‌شود)؛ از سوی دیگر، روش استقرایی متکی به توصیف نسبتاً دقیق رفتار تشکیل دهنده عنصر ماهوی است و عنصر سیاسی را که ویژگی رویکرد قیاسی بود، حذف می‌کند. به عبارت دیگر، در حالی که هدف تعاریف استقرایی تعریف آنچه یک جرم تروریستی است، تعاریف قیاسی سعی می‌کنند به پرسش گسترده‌تری از تروریسم پاسخ دهند. عنصر ماهوی به طور تقریبی همیشه به استفاده از خشونت و زور اشاره دارد (Filippo, 2014: 8-10).^۱ از اینرو، باید اذعان کرد که جامعه بین‌المللی با تمرکز صرف بر عنصر ماهوی و قضایی، ضمن تایید روش استقرایی، وفق آن مبادرت به تصویب کلیه کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای ضد تروریسم نموده است. در واقع کنوانسیون‌های مزبور، تروریسم را با استفاده یا تهدید به استفاده از زور یا خشونت مرتبط کرده است. این رویکرد با تمرکز بر خشونت به مثابه یکی از معیارهای برجسته تروریسم، دولت‌ها را قادر می‌سازد تا با اجتناب از جنبه سیاسی تروریسم، اجماع پیدا کنند. مزیت مهم روش استقرایی این است که از درگیری سیاسی نسبت به اصول اساسی تعریف، پیشگیری کند (Frampton, 2021: 47-49).

۴. مزیت نسبی در ارائه تعریف تروریسم

امروزه به جهت گسترش جرایم تروریستی در جامعه بین‌المللی، ضرورت ارائه تعریفی جامع از تروریسم به سهولت آشکار است^۲ که در این رابطه می‌توان از اسناد

۱. در میان اسنادی که تعریف قیاسی از تروریسم را اتخاذ کرده‌اند، می‌توان به «کنوانسیون پیشگیری و سرکوب تروریسم، مصوب ۱۹۴۷» و «پیش‌نویس کنوانسیون ایالات متحده راجع به تروریسم، مصوب ۱۹۷۲» اشاره کرد.

۲. تروریسم بین‌المللی به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته نیازی به معرفی ندارد. این یک آفت جهانی بسیار شناخته شده است که افراد بی‌شماری را در کل جهان از طریق رفتارهای خشونت‌آمیز بزه‌دیده کرده است؛ این به‌طور قطع جرمی است که خواستار پاسخ فوری است (Margariti, 2018: 175).

بین‌المللی و منطقه‌ای کمک گرفت. از اینرو با توجه به کثرت اسناد مذکور در زمینه مقابله با تروریسم، این اسناد اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند. با این حال به جهت فقدان هرگونه تعریفی از تروریسم، دولت‌ها اطمینان کافی نسبت به محاکم بین‌المللی برای محاکمه تروریست‌ها را ندارند (See: Margariti, 2017: 3-4).

ارائه تعریفی در قلمرو کنوانسیون‌های مزبور بیشتر جلوه سیاسی دارد تا حقوقی. عدم تعریف منجر به محدودیت پاسخ جامعه بین‌المللی به تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته شده است. در حالی که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو «جنگ» را تعریف می‌کند و آنچه را که در زمان جنگ به عنوان یک مبنای حقوق اطلاق می‌شود، مقرر می‌دارد. (Weil, 2018: 66). یکی از دلایل عدم تعریف در سطح بین‌المللی، پای‌بندی دولت‌ها به دیدگاه ملی خود در مورد تروریسم است. به علاوه، تاکنون رویکرد ملی به حقوق بین‌المللی معاصر غلبه داشته و هرگونه تلاش برای تعریف تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته در سطح بین‌المللی بی معنی بوده است. با این حال، نیاز به تعریف پذیرفته شده بین‌المللی از تروریسم به طور کامل، آشکار است. فقد تمایل دولت‌ها برای استفاده از تعاریف ملی خود امکان سوءاستفاده‌های احتمالی را ایجاد خواهد کرد. این رویکرد پراکنده گاهی می‌تواند همکاری بین‌المللی را تضعیف کند که نتیجه مثبتی ندارد؛ زیرا تروریسم در قلمرو جامعه بین‌المللی به اقدام‌های سختگیرانه و همکاری بین‌المللی بیشتری نیاز دارد (Defossez, 2021: 11)^۱.

عدم ارائه تعریفی از تروریسم را می‌توان مهم‌ترین چالش در این زمینه اطلاق کرد که متضمن پیامدهای قابل توجه حقوقی است. این موضوع موجب شده است حقوق بین‌المللی معاصر نتواند به شکلی متوازن و مؤثر پاسخگوی نیازهای جامعه بین‌المللی باشد. وفق این امر، ابهام در تعریف، تفکیک میان مبارزات مشروع و آزادی‌بخش و توسل به تروریسم را ممتنع نموده و امکان «سوءاستفاده از حق دفاع مشروع» برای مقابله با مبارزات قانونی را تحت عنوان جرایم تروریستی فراهم نموده و به صورت گسترده‌ای

۱. البته لازم به ذکر است که در راستای عدم ارائه تعریفی از تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته برخی معتقدند عدم تعریف تروریسم منجر به آن شده است که حقوق بین‌المللی کیفری در مبارزه با این پدیده عاجز بماند. در مقابل، این نظر وجود دارد که حقوق بین‌المللی کیفری در قالب کنوانسیون‌های شانزده‌گانه مبارزه با تروریسم و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تا حدود زیادی به مبارزه با تروریسم پرداخته است، اما واقع امر آن است که این جرم‌انگاری‌ها محدود بوده و سازوکاری جامع برای مبارزه ریشه‌ای با تروریسم ارائه نمی‌دهند (فرهادنیا و هنجنی، ۱۳۹۸: ۷).

امکان نقض حقوق بشردوستانه را به همراه داشته است (جلالی، رئیسی، حبیبی مجنده و زبیب، ۱۳۹۴: ۸۵).^۱ در نهایت فقد اجماع بین‌المللی راجع به تعریف تروریسم و مصادیق آن، برخورد سیاسی کشورها و استفاده ابزاری آنها از گروه‌های تروریستی، انحصار اعمال اصول حقوق بشردوستانه بر وضعیت‌های جنگی در حالی که بخشی از جرایم تروریستی خارج از صحنه نبرد روی می‌دهد، از عواملی هستند که چالش مذکور را تشدید نموده است (حیدری فرد و پورقصاب‌امیری، ۱۴۰۰: ۹).

با این حال، «چرا به یک تعریف جهانی برای تروریسم به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته نیاز داریم؟» و «چرا تعقیب و دادرسی تروریسم (نه فقط در سطح داخلی) باید در سطح بین‌المللی هم صورت گیرد؟» دو طرف یک سکه هستند. از اینرو، چارچوبی که کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم مقرر کرده‌اند موجب شده تا دولت‌ها ملزم به جرم‌انگاری اقدام‌های تروریستی خاص با هدف تعقیب و دادرسی‌های ملی نمایند. البته با این اوصاف شاید بتوان استدلال نمود که دیگر ضرورتی برای ارائه تعریف جهانی تروریسم برای استعمال در چارچوب حقوق بین‌المللی کیفری وجود داشته باشد.^۲

دوم، ضرورت توافق راجع به تعریف جهانی واحد برای تروریسم به دلیل شفاف‌سازی، امری الزامی به نظر می‌رسد. هرچند تدوین یک تعریف برای تروریسم نمی‌تواند تا حدود قابل ملاحظه و مؤثری تضمین کند که این واژه مورد سوءاستفاده سیاسی قرار نمی‌گیرد؛ اما محدودیت دولت‌ها در آزادی اقدام برای برچسب‌زنی به مخالفان سیاسی آن‌ها بیشتر خواهد شد.

۱. از نظر اسناد بین‌المللی نیز نقض گسترده حقوق و آزادی‌های اساسی بشر، از جمله سرکوب سیاسی و تبعیض‌های اجتماعی از موجبات اساسی اقدام‌های خشونت‌آمیزی است که جرم‌انگاری شده و به‌طور کلی تروریسم نامیده می‌شوند (نوذری فردوسی و ذهیبات، ۱۴۰۰: ۲۲۷).

۲. با گذشت دو دهه از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تلاش‌های دولت‌ها در قبال تروریسم به‌طور فزاینده‌ای به‌منظور استفاده پیشگیرانه از مقررات کیفری با جرم‌انگاری رفتار پیش از ارتکاب جرم تروریستی، نظیر اقدامات مقدماتی و اقداماتی که به تروریسم مانند حمایت یا حمایت مادی مساعدت می‌کند، کمک می‌کند (Ginsborg, 2021: 133).

۳. علاوه بر پیوندهای تاریخی مطول بین جنایات سازمان‌یافته و حقوق بین‌المللی کیفری، از دید حقوقی، حقوق بین‌المللی کیفری می‌تواند نقش‌های بسیار مهمی در ماهیت‌گوناگون در تلاش‌های بین‌المللی در قبال این گونه جنایات ایفا کند. علاوه بر این، تغییر ماهیت جنایاتی که در حال حاضر در قلمرو صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی است، پیوندهای تجربی نوینی ایجاد کرده است که مبارزه بدون مجازات برای یکی را بدون پرداختن به دیگری پیچیده می‌کند. افزایش مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، مخاصمات نامتقارن و تعداد گروه‌های مسلح غیردولتی و بین‌المللی شدن جنایت سازمان‌یافته منجر به وابستگی متقابل فزاینده‌ای شده است (Strobel, 2021: 237).

علاوه بر این‌ها حوادث و جرایم تروریستی طی سال‌ها و دهه‌های اخیر آشکار ساخت تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته می‌تواند چنان پدیده دهشتناکی باشد که به مثابه تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شود. این واجد شرایط تهدید بودن برای صلح و امنیت بین‌المللی در بسیاری از قطعنامه‌های شورای امنیت^۱ با صراحت اعلام شده است (Margariti, 2017: 7-8).

۵. شناخت ارکان و معیارهای ذاتی تروریسم

۵-۱. ابزار و روش‌های ممنوع

تروریسم روش یا فنون ارباب قهری سازمان یافته مشتمل بر تهدید یا استفاده از خشونت در تخریب و انهدام اموال یا صدمه و آسیب به اشخاص است که به مثابه سازوکاری برای کنترل مورد استعمال قرار می‌گیرد (فتح‌پور، ۱۳۹۹: ۱۰۸). به ویژه اگر تروریسم به حق حیات و امنیت انسان‌ها تجاوز کند تعریف آن باید خشونت خطیری را که برای تسبیب مرگ یا خسارت شدید جسمانی به افراد منظور شده منع کند. این ممنوعیت باید به حمله به اموال دولتی و خصوصی هم بسط داده شود، حمله‌هایی که برای به خطر انداختن انسان‌ها از نظر جسمانی منظور شده‌اند از جمله افعالی علیه خدمات شهری ضروری و زیرساخت عمومی. تهدید به ارتکاب چنین افعالی می‌تواند به یک جرم تبعی با مجازات کمتر شکل بدهد، نه اینکه فی نفسه فعلی تروریستی قلمداد شود (Saul, 2008: 179-181).

برای افزایش تعیین و قطعیت می‌توان با برشمردن اقدام‌های خشونت‌آمیز ممنوع نظیر فهرست کردن جرایم در کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم موجود و مشخص کردن اقدام‌های دیگر که تحت پوشش آن معاهدات قرار ندارند (مثل قتل یا ضرب و شتم جسمی با هر وسیله‌ای یا در هر ساختاری). رکن «خشونت خطیر» را توصیف کرد. در عین حال رکن «خشونت خطیر» می‌تواند به صورت یک طبقه آزاد

۱. در این زمینه می‌توان به قطعنامه ۲۵۹۷ شورای امنیت طی ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ دائر به یادآوری این امر که داعش از طریق اقدامات تروریستی، اعتقاد افراطی خشونت‌آمیز، حمله‌های گسترده، سازمان یافته و گسترده خود علیه غیرنظامیان مشتمل بر محکومیت ارتکاب اقدامات داعش شامل قتل، آدم‌ربایی، گروگانگیری، بمب‌گذاری انتحاری، بردگی، فروش به ازدواج اجباری، قاچاق افراد، تجاوز، بردگی جنسی و سایر انواع خشونت جنسی، استخدام و استفاده از کودکان، حمله به زیرساخت‌های مهم، و نیز تخریب میراث فرهنگی نظیر اماکن باستانی و قاچاق اموال فرهنگی، تهدیدی جهانی برای صلح و امنیت بین‌المللی است، اشاره داشت؛ ([https://undocs.org/en/S/RES/2597\(2021\)](https://undocs.org/en/S/RES/2597(2021)))

باقی بماند تا اطمینان حاصل گردد که مجرمین به واسطه ارتکاب خشونت به روش‌های جدید و یا پیش‌بینی نشده از تقابل نمی‌گیرند (See: Murphy, 2019: 14-16).

با توصیف «خشونت خطیر» به صورت آنچه در حال حاضر به موجب حقوق بین‌المللی معاصر یا ملی کیفری شناخته شده، و حذف خشونت‌تی که از نظر قانون موجه است یا به واسطه دفاعیات حقوقی موجه می‌شود، می‌توان میزان یقین و قطعیت را افزایش داد. خطیر بودن اقدام‌های خشونت‌آمیز مسأله‌ای است که به سنجش پرونده‌های موردی مربوط می‌شود؛ نظیر «جرم خطیر غیرسیاسی» در پرونده‌های منع اجرای حق بر اساس قانون پناهندگی بین‌المللی که به واسطه رجوع به قانون داخلی دولت تفسیر می‌شود، اما این رویکرد می‌تواند به علت عدم صراحت وفق قواعد حقوق بشر چالش برانگیز باشد و تعریفی که سعی کند کلیه اقدام‌های فیزیکی منع شده را که در حال ارتکاب است، قابل پیش‌بینی خواهد بود (Menon, 2014: 27-29; See: Margariti, 2018: 173).

۲-۵. اهداف ممنوع

چند امکانات برای چارچوب‌بندی یک رکن تعریفی جهت منعکس کردن اجماع ضابطه‌ای و هنجاری راجع به این که تروریسم و روند سیاسی در دولت را تضعیف می‌کند، وجود دارد. یک رویکرد ضعیف و غیرقابل اتکا این است که تنها خشونت‌تی باید کیفری اطلاق شود که مقامات، مؤسسات، یا منافع دولتی را هدف گرفته باشد. برای رفع این چالش، چند تعریف بین‌المللی نوین از تروریسم با الزام‌آور کردن این مسأله که قصد ارتکاب بر اساس ماهیت باید مرعوب ساختن یک جمعیت یا وارد کردن یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا عدم انجام کاری باشد از حفاظت از دولت و جمعیت وسیع‌تر حمایت کرده‌اند.^۱

هدف اصلی از ارتکاب جرایم تروریستی جمعیت غیرنظامی است. از اینرو، انتخاب اهداف، اغلب اتفاقی، غیرقابل پیش‌بینی و بدون تفکیک صورت می‌پذیرد تا امکان ایجاد وحشت و اضطراب حداکثری را ایجاد کند (فتح‌پور، ۱۳۹۹: ۱۰۹-۱۰۸). ارباب یک جمعیت یا اجبار یک دولت به واسطه نگرانی‌های خصوصی نظیر اخاذی،

1. Terrorist Financing Convention, Art 2(1)(b); See also UNSC Resolution 1566 (2004).

منفعت جنایی، یا حتی مناقشه آمیز شخصی برانگیخته شده باشد. یک جرم تروریستی نه تنها در جایی که قصد سیاسی وجود دارد^۱، بلکه در جایی که انگیزه‌ای عمومی، هدف، یا قصد عمومی که به طور گسترده تعریف شده موجود باشد، صورت می‌گیرد (Saul, 2008: 182).

۵-۳. تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی

جرایم مقرر در کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم که از سال ۱۹۶۳ پذیرفته شده اند به طور معمول، به رغم اینکه عنصر بین‌المللی لازم به طرق مختلف ترکیب و تدوین شده، برای تروریسم به طور کامل داخلی کاربردپذیر نیست. کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی، کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم و کنوانسیون راجع به سرکوب اقدام‌های سرکوب تروریسم هسته‌ای هیچ کدام در جایی که جرمی در داخل یک دولت واقع شده باشد، مجرم یا بزه‌دیدگان تبعه آن دولت باشند، مجرم در قلمرو سرزمینی آن دولت یافت شود، و سایر دولت‌ها به موجب آن معاهدات از صلاحیت قضاوت در مورد مجرم برخوردار نباشند، کاربرد ندارند. ماده ۳ «پیش‌نویس کنوانسیون جامع مقابله با تروریسم بین‌المللی» از همین ترکیب پیروی می‌کند.^۲

مادامی که قانون‌گذاری بین‌المللی در خصوص تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته به جرایم تروریستی بین‌المللی محدود شود، آن‌گاه عنصر بین‌المللی جرایم باید روش‌های گوناگونی را تحت پوشش قرار دهد. این می‌تواند شامل مواردی باشد که جرم تروریستی در چند دولت یا در خارج از حوزه قضایی هر دولت صورت می‌گیرد یا بر سایر دولت‌ها تأثیر می‌گذارد؛ یا اقدامی بر اتباع چند دولت یا افراد مصون در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارد؛ یا مرتکب جرم یک تبعه خارجی است (Saul, 2008: 183-185).

1. UNGA Resolutions 49/60 (1994), annexed Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism.

۲. کمیته ویژه برای تصویب «پیش‌نویس کنوانسیون جامع مقابله با تروریسم بین‌المللی» طی سال ۱۹۹۶ از سال ۲۰۱۲ تأسیس شده است. آخرین گزارش آن طی سال ۲۰۱۳ منتشر شد و چالش‌های دستیابی به پیشرفت اساسی در مورد مسائل برجسته را تأیید کرد. لازم به ذکر است که به نظر می‌رسد مقدمه و متن برای درج جدیدترین پدیده‌های جرایم تروریستی نظیر تجارت نفت حمایت از جرایم تروریستی، تخریب میراث فرهنگی، رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان و کودکان و تهدید مجرمان تروریستی، روزآمد شود (De Vido, 2017: 235). به علاوه، شورای امنیت ملل متحد ضمن صدور قطعنامه (۲۰۱۷) ۲۳۵۴ راجع به مقابله با روایت‌های تروریستی با پیشنهاد کمیته ضد تروریسم سند «چارچوب جامع بین‌المللی برای مقابله با روایت‌های تروریستی» را مصوب کرد (Kravik, 2018: 180).

۴-۵. ایجاد ارباب یا وحشت افراطی

ذات واژه تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته ایجاب می کند که هر تعریفی نشان دهد شخصی، یا گروهی از اشخاص، احساس رعب و وحشت کرده اند یا هدف این بوده که احساس رعب و وحشت کنند. در غیر این صورت این واژه از مبدأ زبانی خود و معنای متنی ساده یا عادی آن مجزا می شود. یک جرم تروریستی که فاقد رعب و وحشت باشد با واژه شناسی صحیح بهتر وصف خواهد شد. با این وجود، پیشنهاد برای تعریف تروریسم به عنوان ارباب یا اجبار صرف به طور ضمنی به معنای رفتاری ضعیف تر از تروریسم است و می توان به طور اصولی آن را به طور دقیق جرم ارباب یا اجبار تعریف کرد. از درج چنین عنصری در یک تعریف بین المللی از تروریسم حمایت شده، تعریفی که به صورت مشترک در طرح های پیشنهادی رسمی یا به منزله «قصد ایجاد رعب و وحشت» یا «تحریر و برانگیختن حالت رعب و وحشت»^۱ در افراد یا گروه هایی از افراد خاص یا عموم مردم ترکیب بندی شده اند (Saul, 2008: 187).

۵-۵. محدودیت ها و استثنائات

حقوق بشردوستانه بین المللی مقررات زیادی را در بردارد که به طور مؤکد، تروریسم را ممنوع کرده است. ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو در بخشی مقرر می دارد که مجازات های جمعی و کلیه اقدام های رعب انگیز یا تروریسم ممنوع هستند (See: Baumer-Schuppli, 2020: 46). یک مقررره مشابه در پروتکل های الحاقی به کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو قابل ملاحظه است: ماده (۲) ۵۱ پروتکل اول الحاقی در مورد درگیری مسلحانه بین المللی و ماده (۲) ۱۳ پروتکل دوم الحاقی در مورد درگیری مسلحانه داخلی یا غیر بین المللی در بخشی تصریح کرده اند: «اقدام های خشونت آمیز یا تهدید به خشونت که هدف اصلی آن اشاعه رعب و وحشت در میان مردم غیر نظامی می باشد، منع شده اند.» وفق ماده (۲) ۴ پروتکل دوم الحاقی ارتکاب «تروریسم» علیه غیر نظامیان ممنوع بوده و در هر زمان و هر مکان ممنوع خواهند بود. حقوق بشردوستانه بین المللی نیز شامل مقرراتی است که بدون استفاده از واژه

1. 1937 League of Nations Convention, Art 1(2); 1991 ILC aft Code, Art 24; 1998 Draft Rome Statute, Art 5.

«تروریسم» اقدام‌هایی را منع می‌کنند که بسته به مقاصد، ملیت عامل و بزه دیده و سایر ملاحظات می‌توانند در کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم منع شده باشند. به‌عنوان نمونه، ممنوعیت مقرر در ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در رابطه با اقدام‌های خشونت آمیز علیه افرادی که هیچ نقش فعالی در خصومت‌ها ندارند برای بعضی جرایم تروریستی کاربردپذیر خواهد بود. به‌طور مشابه، ممنوعیت حمله به نیروگاه‌های هسته‌ای در ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول در رابطه با اقدام‌هایی کاربرد دارد که توسط «کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای، مصوب ۲۰۰۵» منع شده‌اند (دونل، ۱۳۹۱: ۲۴۸). به‌علاوه، مادامی که تروریسم در زمان صلح ارتکاب یابد تعریف آن باید به منظور حفظ تقارن اخلاقی و وسعت بخشیدن به مشروعیت آن هم اقدام‌های مقامات دولتی و بازیگران غیردولتی را در بگیرد (Saul, 2016: 8-9).

کنوانسیون‌هایی نظیر «کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگانگیری، مصوب ۱۹۷۹»، «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی، مصوب ۱۹۷۹»، «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم، مصوب ۱۹۹۹» و «کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای، مصوب ۲۰۰۵» مقرراتی را در بردارند که به حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا به مفاهیم استنتاجی از آن رجوع می‌کنند. بیشتر آنها بندهایی منع‌کننده هستند و برای تضمین این مسأله مقرر شده‌اند که: اقدام‌هایی که در اصل در چارچوب عمل هر دو حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل ضد تروریسم قرار دارند، توسط یکی از این دو معاهده کنترل می‌شوند (See: Sassòli & Rouillard, 2007: 29). افزون بر این، دو بند اول محرومیت مقرر در ماده (۲) ۱۹ کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی در فعالیت‌های نیروهای مسلح در طول درگیری مسلحانه را به صورتی که این واژه‌ها تحت حقوق بین‌المللی بشردوستانه و به وسیله آن کنترل می‌شوند، محروم می‌سازد. برخلاف ماده اخیر، ماده ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگانگیری که تنها به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آنها رجوع می‌کند به طور اعم به حقوق بشردوستانه بین‌المللی اشاره دارد پس حقوق عرف را تحت پوشش قرار می‌دهد (دونل، ۱۳۹۱: ۲۵۱).

۶. نحوه پاسخ هنجارهای بین‌المللی به تروریسم

با توجه به عدم وجود تعریفی جامع از تروریسم از سوی جامعه بین‌المللی، در تعریف تروریسم به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته باید اظهار داشت: «به هر نوع اقدام سازمان یافته پنهان اطلاق می‌گردد که شامل به‌کارگیری خشونت در هر شکلی بوده و به گروهی که هدف آنها ایجاد رعب و وحشت بوده مرتبط است.» به‌هر روی، از جمله راهبردهای اساسی و بنیادین مقرر در کنوانسیون‌های بین‌المللی و حتی منطقه‌ای ضدتروریسم، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف- جرم‌انگاری اقدام‌های تروریستی؛

ب- پاسخ‌گذاری کیفری (نظیر جرم‌انگاری و کیفرگذاری سرکوب‌گرانه) این اقدام‌ها و درخواست تحت پیگرد قرار دادن و یا استرداد عاملین؛

ج- ضرورت حذف قوانینی که باعث ایجاد استثنائاتی در این خصوص بر اساس ملاحظات سیاسی، فلسفی، عقیدتی، نژادی، قومی، مذهبی و یا زمینه‌های مشابه دیگر می‌گردد؛
د- تأکید بر ضرورت همکاری، تبادل اطلاعات و فراهم آوردن مساعدت‌های لازم در خصوص پیشگیری، انجام تحقیقات و مورد پیگرد قرار دادن جرایم تروریستی.

ه- درخواست مؤکدانه از دولت‌ها برای توسل به راهبردهایی در قبال جرایم تروریستی؛
تا پیش از ارتکاب حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تروریسم پدیده‌ای داخلی به شمار می‌رفت، اما پس از آن به پدیده‌ای جهانی مبدل گردید. بر همین اساس، با گذشت دو دهه از این حوادث تروریستی بی‌شک آثار دائمی را بر نظام بین‌المللی بر جای نهاد (Scheinin, 2021: 24). از اینرو برخی معتقدند با بروز این حوادث حقوق بین‌المللی کلاسیک به حاشیه رانده شد؛ چرا که توانایی واکنش به جرایم تروریستی مزبور را نداشت و بر این اساس عاجز از تعیین ماهیت حقوقی آن بود. از دیدگاه این گروه، حوادث مذکور موجب ظهور حقوق بین‌المللی معاصر گردید، اما با گذشت زمان، برخی دیگر از نظریه‌پردازان تصریح نمودند که در مقابل اسناد بین‌المللی موجود سازوکارهایی برای موضوع مطروحه وجود دارد که به مثابه واکنشی در تقابل با شرایط جدید می‌توانند به‌گونه‌ای مناسب تفسیر و اجرا شوند (Shane, 2009: 138).

در هر حال، به‌دلیل ماهیت مناقشه‌برانگیز و جهت‌گیری عقیدتی آن، تعریف همه‌جانبه تروریسم تحت کنوانسیون‌های بین‌المللی امری چالش‌برانگیز است؛ چرا که

قلمرو کنوانسیون‌ها امکانی برای ارائه تعریف نداشته و هیچ‌یک از آن‌ها به‌استثنای ارائه مصادیقی از اقدام‌های گوناگون تروریستی، تعریفی از تروریسم ارائه نکرده‌اند. وفق همین امر، «دادگاه ویژه لبنان» یک تعریف حقوقی نوظهور از تروریسم ارائه کرد که می‌توان این تصمیم را به‌عنوان اولین تصمیم معتبر یک دادگاه بین‌المللی مختلط با پذیرش تعریف کلی تروریسم تحت کنوانسیون‌های بین‌المللی مدنظر قرار داد. البته اتخاذ چنین تصمیمی از سوی دادگاه به‌طور قطع امکان‌نیل به جستجوی مداوم برای ارائه تعریفی مطلوب از تروریسم را در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی ضدتروریسم را فراهم می‌آورد. در نتیجه، منطقی است تا دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی در قبال تروریسم از اقدام دادگاه ویژه لبنان پیروی کنند (Kebede Bekele, 2021: 628).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

برآمد

گسترش تعاریف تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته در جامعه بین‌المللی که اغلب در زمره ارائه مصادیق قرار دارند، عواقب و آثاری نظیر امحای اقتدار قانونی و حقوقی جامعه بین‌المللی، پیشگیری از ساختن دشمن و چشم‌انداز مشترک در قبال تروریسم را فراهم می‌آورد. در ضمن، گسترش تعاریف تروریسم تنها ادراک مشترک دولت‌ها را در جامعه بین‌المللی خدشه‌دار نمی‌کند، بلکه تهدیدی علیه فرسایش اصول اساسی و مشترک حقوق کیفری اطلاق می‌شود.

با گذشت دو دهه از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تلاش‌های ناموفق جامعه بین‌المللی برای ارائه تعریف تروریسم به عنوان جنایت سازمان یافته، حاکی از آن است که بیشتر اوقات تعریف جامع را از لحاظ ضابطه‌ای و هنجاری، مورد ملاحظه خود قرار داده است. از اینرو، با تشخیص جامعه بین‌المللی از عدم مشروعیت اساسی تروریسم می‌توان آن را به‌طور کلی باز تعریف کرد:

۱. اقدام خشونت‌آمیز که برای تسبیب مرگ، خسارت جسمانی شدید، یا به خطر انداختن جان، از جمله به واسطه اقدام‌های مجرمانه علیه اموال منظور شده باشد؛

۲. در جایی که خارج از درگیری مسلحانه واقع شده باشد؛

۳. هدفی سیاسی، عقیدتی، مذهبی یا قومی داشته باشد؛

۴. در جایی که برای ایجاد ارعاب در کسی، یا گروهی، یا عموم مردم در نظر

گرفته شده باشد؛

الف- ارعاب جدی یک جمعیت یا بخشی از یک جمعیت، یا

ب- اجبار نابجای یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی در ارتکاب فعل یا

ترک فعل؛

۵. حمایت، اعتراض، مخالفت، یا اقدام صنعتی که برای تسبیب کشتن،

خسارت جسمانی شدید، خطر جدی و شدیدی برای سلامت و ایمنی عموم مردم

منظور نشده باشد، یک جرم تروریستی محسوب نمی‌شود.

در نظام حقوق بین‌المللی معاصر، راهبردها و سازوکارهای گسترده و مؤثر کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم، برای دمیدن روحی تازه در کالبد جامعه بین‌المللی مقرر شده‌اند تا به مجموعه‌ای متنوع از جرایم مرتبط با تروریسم واکنش نشان دهد، اما محدودیت‌های عملی متعددی برای اثربخشی راهبردها و سازوکارهای مزبور وجود دارند. می‌توان اظهار کرد تا آن جا که جرایم تروریستی، صلح و امنیت را تهدید کنند، جرم‌انگاری در حوزه داخلی و بین‌المللی روشی مناسب برای مقابله آن به‌شمار می‌رود. حتی در صورتی که تروریسم به‌عنوان جنایت سازمان یافته علیه دولت استبدادی و خودکامه هدایت شود، این امر ضمن مساعدت در پیش‌گیری از تهدید نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی، توجیه‌پذیری جرم‌انگاری را به سهولت اثبات می‌نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع الف) فارسی

۱. فتح‌پور، فاطمه (۱۳۹۹)، *بایسته‌های مقابله با تروریسم در پرتو دکترین امنیت انسانی*، تهران: میزان، چاپ اول.
۲. فرهادنیا، سعید و سیدعلی هنجنی (۱۳۹۸)، «چالش‌های حقوق بین‌الملل کیفری در مبارزه با تروریسم»، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۰.
۳. قریبی، حسین (۱۳۹۹)، «شورای امنیت سازمان ملل متحد و شکل‌گیری رژیم مقابله با تروریسم»، مطالعات راهبردی، شماره ۳.
۴. جلالی، محمود، لیلارئیسسی، محمد حبیبی‌مجنده و رضا زبیب (۱۳۹۴)، «تحول رویکرد به تروریسم در اسناد بین‌المللی: خلاءهای حقوقی و پیامدها»، مطالعات حقوقی معاصر، شماره ۱۱.
۵. حیدری‌فرد، مهدی و علی پورقصاب‌امیری (۱۴۰۰)، «جنگ جهانی علیه تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه»، مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۲.
۶. شمس‌ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۷)، *جرایم سازمان یافته در آینه سیاست کیفری اسلام، ایران و اسناد بین‌المللی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۷. دونل، دانیل (۱۳۹۱)، «معاهدات بین‌المللی ضد تروریسم و اعمال تروریستی نیروهای مسلح در درگیری مسلحانه»، ترجمه پیمان نمایان، مجله حقوقی بین‌المللی (ویژه‌نامه)، شماره ۲۹.
۸. ممتاز، جمشید (۱۴۰۰)، «اقدامات دبیرکل سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم»، مجموعه مقالات همایش نقش دبیرخانه و دبیرکل در تحقق اهداف منشور ملل متحد، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، تهران: میزان، چاپ اول.
۹. نژندی‌منش، هیبت‌اله (۱۴۰۰)، *تروریسم و حقوق بین‌الملل*، مطالعه موردی گروه تروریستی پژاک، تهران: میزان، چاپ اول.
۱۰. نوذری‌فردوسییه، محمد و محمد ذهیبات (۱۴۰۰)، «بازپژوهشی تروریسم از دیدگاه حقوق اسلامی و اسناد بین‌المللی با تأکید بر نهضت‌های رهایی‌بخش»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱.

ب) انگلیسی

1. Baumer-Schuppli, Fabian (2020), "*The Proliferation of Definitions of Terrorism in International Law; A Story of Failed Symbolism and Premature Universal Jurisdiction*", *The Global Crime, Justice and Security Journal*, Vol. 1.
2. Cassese, Antonio (1989), *Terrorism, Politics and Law*, Cambridge University.
3. Barnidge, Robert P (2008), *Non-State Actors and Terrorism: Applying the Law of State Responsibility and the Due Diligence Principle*, Cambridge University Press.
4. Boister, Neil (2009), "*Treaty Crimes, International Criminal Court?*", *New Criminal Law Review: An International and Interdisciplinary Journal*, Vol. 12, No. 3.
5. Defosse, Delphine (2021), "*The Concept of Terrorism: Time to Abandon the National Approach to International Law*", *CIFILE Journal of International Law*, Vol. 2, Issue 3.
6. De Vido, Sara (2017), "*The Future of the Draft UN Convention on International Terrorism*", *Journal of Criminological Research, Policy and Practice*, Vol. 3 Issue: 3.
7. Dwiwarno, Nuswantoro (2018), "*Terrorism as Transnational Organized Crime and Government's Attempt to Eliminate Terrorism*", *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science*, IOP Publishing, <https://iopscience.iop.org/article/10.1088/1755-1315/175/1/012209/pdf>.
8. Frampton, Martyn (2021), "*History and the Definition of Terrorism*", in: Richard English (ed.) *The Cambridge History of Terrorism*, Cambridge: Cambridge University Press.

9. Filippo, Marcello Di (2014), “*The Definition(s) of Terrorism in International Law*”, in: Ben Saul, (Ed.), Research Handbook on Terrorism and International Law, Edward Elgar Publishers.
10. Fijnaut, Cyrille, Letizia Paoli and Jan Wouters (2022), “*Introduction to the Nexus Between Organized Crime and Terrorism*”, in: Letizia Paoli, Cyrille Fijnaut and Jan Wouters, The Nexus Between Organized Crime and Terrorism: Types and Responses, Edward Elgar Publishing Limited.
11. Ginsborg, Lisa (2021), “*Moving Toward the Criminalization of Pre-Crime*”, in A. Vedaschi & K. Scheppele (Eds.), 9/11 and the Rise of Global Anti-Terrorism Law: How the UN Security Council Rules the World (Global Law Series). Cambridge: Cambridge University Press.
12. Lang, Józef (2017), “*Exporting Jihad – Islamic terrorism from Central Asia*”, Policy Paper, OSW COMMENTARY Number 236 / 12.04.2017, <http://aei.pitt.edu/86617>.
13. Laqueur, Walter (1999), The New Terrorism: Fanaticism and the Arms of Mass Destruction, Oxford University Press.
14. Levi, Michael (2022), “*The Organized Crime-Terrorism Nexus and its Funding*”, in: Letizia Paoli, Cyrille Fijnaut and Jan Wouters, The Nexus Between Organized Crime and Terrorism: Types and Responses, Edward Elgar Publishing Limited.
15. Margariti, Stella (2017), *Defining International Terrorism; Between State Sovereignty and Cosmopolitanism*, Springer-Verlag Berlin Heidelberg.
16. Margariti, Stella (2018), “*Defining International Terrorism to Protect Human Rights in the Context of Counter-Terrorism in Security and Human Rights*”, Security and Human Rights, Brill, Vol. 29, Issue. 1-4.

17. Mullins, Sam & James K. Wither (2016), “*Terrorism and Organized Crime*”, The Quarterly Journal, Vol. 15, No.2.
18. Kravik, Motzfeldt (2018), “*United Nations Security Council Resolution 2354 & Comprehensive International Framework to Counter Terrorist Narratives*”, International Legal Materials, Volume 57, Issue 1.
19. Merari, Ariel (1999) “*Terrorism as a Strategy of Struggle: Past and Future*”, The Future of Terrorism, Vol. 11, Issue. 4.
20. Menon, Sundaresh (2014), “*International Terrorism and Human Rights*”, Asian Journal of International Law, Volume 4, Issue 1.
21. Monaghan, Rachel (2004), “*An Imperfect Peace’: Paramilitary ‘Punishments’ in Northern Ireland,*” Terrorism and Political Violence, Vol. 16, No. 3.
22. Mullins, Sam(2016), *Home-Grown’ Jihad: Understanding Islamist Terrorism in the US and UK*, London: Imperial College Press.
23. Murphy, Cian C (2019), “*Terrorism and Transnational Law: Rules of Law Under Conditions of Globalization*”, Law Research Paper Series, University of Bristol Law School, bristol.ac.uk/law/research/legal-research –papers.
24. Paletz, David L. and Alex P. Schmid (1992), *Terrorism and the Media*, Sage Publications.
25. Franck, Thomas M. and Bert B. Lockwood, Jr. (1974), “*Preliminary Thoughts Towards an International Convention on Terrorism*”, American Journal of International Law, 1974, Vol. 68, No. 1.
26. Kebede Bekele, Henok (2021), “*Problem of Defining Terrorism under International Law: Definition by the Appeal Chamber of Special Tribunal for Lebanon as a Solution to the Problem*”, Beijing Law Review, Vol.12, No.2.

27. Sanyal, Shubhra (2015), "International Laws to Control Terrorism: A Comparative Study", Asian Journal On Terrorism and Internal Conflicts, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3232739>
28. Saul, Ben (2008), Defining Terrorism in International Law, Oxford University Press.
29. Saul, Ben (2016), "Terrorism, Counter-Terrorism and International Humanitarian Law", Legal Studies Research Paper, No. 16/37.
30. Shane, Jon M. (2009), "September 11 Terrorist Attacks Against the United States and Law Enforcement Response", M.R. Haberland, A. von Hassell(eds), A New Understanding of Terrorism, Springer, Business Media, LLC.
31. Shelley, Louise I. and John T. Picarelli (2002), "Methods Not Motives: Implications of the Convergence of International Organized Crime and Terrorism," Police Practice and Research: An International Journal, Vol. 3, No. 4.
32. Scheinin, Martin(2021), "The Globalization of Anti-Terrorism Law: Theoretical Frameworks", in A. Vidaschi & K. Scheppele (Eds.), 9/11 and the Rise of Global Anti-Terrorism Law: How the UN Security Council Rules the World (Global Law Series). Cambridge: Cambridge University Press.
33. Stewart, David P. (2018), "Terrorism and Human Rights: The Perspective of International Law", Policy Paper, 4 JUNE, Middle East Institute.
34. Strobel, Kathrin (2021), Organized Crime and International Criminal Law History; Lex Lata and Developments De Lege Ferenda, Brill's Publications.
35. Weißer, Bettina(2016), "Transnational Organized Crime and Terrorism", in: International Law and Transnational Organized Crime, Edited By: Pierre Hauck, Sven Peterke, Oxford Public International Law (OPIL).

36. Weil, Ari (2018), "Challenges of Defining Terrorism in International Treaty Law", The King's Student Law Review and Strife Journal, Issue 1.

ج) فرانسوی

1. Burkhalter, Adrien (2016), "Définir Le Terrorisme: Défis Et Pratiques", Geneva Papers, Research Series: 20/16, Geneva Centre for Security Policy.
2. Bret, Cyrille (2018), Qu'est-ce que le Terrorisme?, Paris, Librairie Philosophique Vrin, coll, chemins philosophiques.
3. Chaliand, Gérard (2002), L'arme du Terrorisme, Paris: Publisher Louis Audibert.
4. Chaliand, Gérard et, Arnaud Blin (2006), Histoire du Terrorisme de l'Antiquité à Al-Qaïda, Paris: Publisher Bayard Jeunesse.
5. Massé, Michel (2012), "La Criminalité Terroriste", Revue de Science Criminelle Et De Droit Pénal Comparé, Vol. 1, No. 1.
6. Saul, Ben (2008), "Reasons for Defining and Criminalizing Terrorism in International Law", Anuario Mexicano de Derecho Internacional, Vol. 1, No. 6.
7. Sassòli, Par Marco & Avec La Collaboration De Lindy Rouillard (2007), "La Définition Du Terrorisme Et Le Droit International Humanitaire", Revue Québécoise De Droit International, Vol. 5, No. 2.
8. Rey, Alain (1998), "Terreur", Dictionnaire Historique De La Langue Française, Le Robert, <https://www.lerobert.com/dictionnaire-historique-de-la-langue-francaise-dix-siecles-de-voyage-dans-la-langue.html>